

همچنین در صورتیکه شخص بگذارد دیگری او را مست سازد و پس از مستی مرتکب تقصیری گردد باز از لحاظ مدنی مسئول شناخته شده است .

### مسئولیت نگهبان

#### اشخاصی غیر بالغ و غیر رشید

محافظت و نگهبانی صغیر و دیوانه عادتاً بر عهده اولیای آنان و یا بر عهده شخصی است که انجام این کار را قبول نموده و یا شخصی که شغل او متضمن چنین مسئولیتی است مانند مدیر تیمارستان .

در صورت وجود چنین اشخاصی در صورت تقصیر صغیر یا دیوانه میتوان این اشخاص را در مقابل خسارت دیده مسئول دانست .

قانون در بعضی موارد اشخاص نامبرده را مسئول عمل کسانی که تحت حفاظت آنها هستند قرار داده بدون اینکه احتیاج به ثبوت تقصیری از ناحیه آنها باشد در غیر این موارد قانونی نمیتوان حافظ طفل و دیوانه را مسئول قرار داد مگر تقصیری از ناحیه او بثبوت سیده باشد (این موضوع بتفصیل بعداً خواهد آمد)

دکتر امین فر

با مطالعات پزشکی و بیماریهای روانی در قرن اخیر تقسیماتی علمای فن برای دیوانگی قائل شده اند بطوریکه بعضی از اقسام آن بکلی سلب اراده و اختیار از بیمار مینمایند و بعضی اراده و اختیار او را فقط ضعیف میسازند دادرس کیفری در مقابل اقسام اول از جنون ناچار تصمیم بر عدم مسئولیت و در اقسام دوم تصمیم بر تخفیف مسئولیت میگردد و در موقع تردید در وجود مسئولیت بیشتر بطرف تخفیف و یا فقدان آن تمایل میکند ولی اتخاذ تصمیم برای دادرس مدنی در مقابل شخصی که خسارتی بدون دلیل متوجه او شده مشکلتر است مخصوصاً در موردی که خواننده دارای توانایی مالی و خواهان شخص بیچیزی باشد در بیشتر بطرف قبول مسئولیت مدنی میگراید اشخاصی را که در نتیجه زندگی افراطی و بی قاعده دچار بیماریهای دیوانگی شده اند و بعداً مرتکب اعمالی شده و خساراتی بدیگران وارد ساخته اند رویه قضائی فرانسه از لحاظ مدنی مسئول تشخیص داده است چنانچه شخصی که در نتیجه استعمال مسکرات و یا مواد مسموم کننده دیگر از حال طبیعی خارج و خساراتی بدیگران وارد سازد مسئول مدنی شناخته شده مگر موقعی که شخص نمیدانسته است که ل این مواد منجر بسلب اراده و اختیار از او میشود و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## حضانة

### در دامان مرور زمان

قانون نامبرده تشریح و تبیین و تکلیف طرفین دعوی و دادرسان را روشن ساخته است .

قبل از وضع قوانینی که مرور زمان را سر و صورتی دهد در آن تاریخی که کارهای قضائی در محاضر شرعیه میگذشت مرور زمان بلحاظ اینکه اکثر فقها قائل نبودند زنگ و روئی نداشته و یا آنکه مدتی هم برای آب

از جمله تحولات و تغییراتی که در قانون آئین مدنی جدید مورد توجه و شایسته نظر است موضوع مرور زمان و طبقه بندی و تقسیماتی است که در نوع دعاوی و سنخ کارها بملاحظه مقتضیات و کیفیات مشابه و نظیر هم پیش بینی شده و همچنین مبدا و موارد قطع مرور زمان و سایر خصوصیات که موضوع مباحثات طولانی بوده و در

مدتی معین نشده یا عندالطالیه باید انجام شود از تاریخی که  
 بوسیله اظهارنامه رسمی یا اقامه دعوی مطالبه شده مدت  
 مرور زمان شروع میشود» این معنی وارد شده و در جزء  
 ۱۱ آن ماده تکلیف امر معلوم شده و مینویسد نسبت به  
 دیونی که برای پرداخت آن مدت معین نشده یا عندالطالیه  
 باید داده شود شروع و مبداء مرور زمان از تاریخ دین  
 می باشد

در هر صورت ما نمیتوانیم جزء جزء نکات و خصوصیات  
 قانون جدید را مورد بحث قرار داده و در پیرامون مرور  
 زمان صحبت نمائیم بلکه ما میخواهیم در امر حضانت و  
 مرور زمان آن گفتگو کرده و ببینیم آیا مرور زمان در این  
 امر جریان دارد یا خیر؟

و در صورت جریان یافتن آن داخل کدام يك از  
 تقسیمات ندرجه در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۷۴۰ قانون  
 آئین دادرسی مدنی خواهد بود؟  
 ❖❖❖

بی مناسبت نیست بدوا راجع بامر حضانت و در  
 اطراف احکام آن بحث و گفتگوی مختصری نموده تا موضوع  
 و چگونگی مرور زمان روشن و واضح گردد. حضانت  
 را قانون مدنی در نگاهداری و تربیت و صیانت اطفال حصر  
 کرده و عبارت دیگر حضانت عبارت است از ولایت بر  
 طفل و مجنون برای فائده تربیت و آنچه را که مصلحت  
 آنها حاوی است و مثل حفظ و نگاهداری - تربیت -  
 بهداشت و سایر خصوصیات زندگی روز مره آنها و  
 بدیهی است کسی که نسبت بامور فوق علاقه بیشتری  
 ابراز میدارد و احق والیق تصور میشود نسبت به طفل  
 همانا مادر است که این امر در ایام رضاع دلسوزی آن سرحد  
 کمال میرسد.

اینک بطور فهرست احکام حضانت را بیان نموده  
 باصل مطالب می پردازیم و ضمنا نعلاری بمقایسه باقانون

قائل نبودند مگر در مذهب مالکی که طرفداران این مذهب  
 بیشتر در افریقا منتشرند برای غیر قارب ده سال و برای  
 اقارب و عشایر چهل سال مدت مرور زمان راقائل میباشند  
 در هر حال مدت مرور زمان در بدو امر منحصر باموال  
 غیر منقول و منقول بوده و بعداً در قوانین مختلفه مرور  
 زمان های مختلف دارا شده که میتوان بدو قسمت  
 تقسیم کرد:

الف- مرور زمان هائی که قبل از اقامه دعوی مؤثر در  
 اصل موضوع میباشد.

ب- مرور زمان هائی که بعد از اقامه دعوی و در ضمن  
 جریان کار حاصل میشود.

قسمت اول مثل مرور زمان استفاده از شرط طلاق  
 که طبق تبصره يك ماده چهارم قانون ازدواج مصوب  
 ۱۳۱۰ از تاریخ اثبات آن شرط تا شش ماه باید بمرجع  
 خود مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مدت نامبرده  
 بعلت حصول مرور زمان ادنا قابل شنیدن نخواهد بود  
 یا مرور زمان ثبتي که قسمتی از آن مربوط بقبل از  
 مراجعه بمقامات صالحه است مثل اعتراض بثبت که باید  
 طبق ماده ۱۶ از تاریخ نشر اولین اعلان نوبتی تا نو در روز  
 اقامه دعوی نماید و قسمتی از آن مربوط ببعد از اقامه  
 دعوی میباشد یا مرور زمان انکار ولد و نسب که طبق  
 ماده ۱۶۲ و ۱۶۳ قانون مدنی از تاریخ اطلاع یافتن شوهر  
 از تولد طفل تا انقضای دو ماه میباشد

نکته دیگری که در قانون نامبرده در مرور زمان  
 پیش بینی شده همانا شرط بنفعی است که در تعهدات اشخاص  
 بنام (عندالطالیه) قلمداد میگردد و خود منشاء یکی از  
 اختلافات بوده و در قانون سابق تاریخ ابلاغ اظهار نامه  
 راجع بمطالبه طلب مبداء مرور زمان محسوب میشد و  
 طبق جزء سوم ماده ۷۴۱ که میگوید:

راجع باسترداد اماناتی که محدود بمدت معینی  
 میباشد و همچنین راجع بتعهداتی که برای انجام آنها

مدنی نداریم:

۱- تعیین تکلیف طفل خنثی و حضانت او این است مادامی که طفل بهت سال نرسیده است صاحب با حق حضانت با مادر است چه آنکه ذکور بودن او مسلم نبوده و مناط زوال حضانت نسبت بطفل ذکور در حال رضاع در سال است و مدت حضانت دختر تا هفت سال. بنابراین خنثی چون ذکور بودن او غیر محرز است هفت سال می دانند و این امر در صورتی است که پدر و مادر او موجود باشند چنانچه یکی مرد دیگری احق از سایر اقارب و خویشاوندان طفل میباشد تا اینکه طفل بالغ شود

۲- با اینکه وصی منصوص در بین بوده یعنی پدر و وصی معین نموده باشد معذک مادر احق بحضانت است نسبت به دختر تا هفت سال و نسبت به پسر تا دو سال

۳- اگر ابوان مفقود باشند یا مادر شوهر کرده باشد حضانت با پدر پدر است زیرا که اوفی الجملة پدری است و بر دیگران ترجیح و برتری دارد و قاعده الاقرب - فالاقرب باید رعایت شود زیرا چنانچه ولایت اجباری و قهری پدر طفل دارد هم بطور جد هم در صورت فقدان پدر و مادر اولی و احق بحضانت میباشد بهمان نحوی که نسبت بمال او حق مداخله و صیانت داشته غبطه و صرفه او را ملاحظه مینماید.

۴- چنانچه مادر بعد از طلاق گسرتن از شوهر بغیر از پدر طفل شوهر کند حضانت او ساقط میگردد و اگر مطلقه شد دو مرتبه حضانت او بر میگردد زیرا مانع مرتفع شده و دوباره بحقوق زوجیت خود نائل آمده که این خود اقوی از حق حضانت است.

قولی بر این عقیده است که حضانت به مجرد از دواج باغیر پدر چون ساقط شده دیگر با وجود مانع (داشتن شوهر) بر نمیگردد. لویا اینکه مطلقه شده باشد و همان قاعده استصحاب اجرا ساخته و اعاده حضانت دلائل دیگری لازم

دارد که آن دلائل غیر موجود است و بالاخره طلاق باید طلاق بائن باشد که حضانت عود کند یا اینکه عده منقضی گردد و الا در مدت عده باز حضانت ساقط است و اگر پدر در این صورت مفقود باشد اگر چه زن شوهر کند باز حضانت باعتمار خود باقی بوده چه آنکه قاعده الاقرب فالاقرب در جریان اعتبار خود باقی است.

۵- حضانت ببلوغ و رشد مرتفع میگردد زیرا بر بالغ و رشید ولایتی باقی نیست خواه پسر باشد خواه دختر خواه باکره باشد خواه ثبیه و ضمناً سایسته و مستحب است که مادر از فرزندان خود مفارقت و جدائی پیدانکند خاصه آنکه فرزند او دختر باشد در این صورت تا وقتی که تزویج کند نباید از او دوری نماید.

اینک ببینیم با آنکه حضانت حق است برای کسانی که در فوق مذکور افتاد آیا با صرف این واجب است که حضانت را انجام داده و بتکالیف مقرره قیام و اقدام نمایند یا می توانند از آن حق صرف نظر کرده و اسقاط کنند؟ اصل این است که صاحب حق میتواند از حق خود چشم پوشی کرده و انصراف حاصل کند.

در این صورت حق این است که در صورت امتناع حضانت پدر بر میگردد، اگر هر دو امتناع کنند پدر را حاکم اجبار بحضانت میکند زیرا که ترك حضانت از طرف پدر مستلزم خرابی بنیان و اساس و شالوده خانواده گی طفل است و این امر واجب کفائی بوده چنانچه حضانت و دستگیری که اشخاص از مستهندان و بیچارگان غیر از اولاد مینمایند ولی در خصوص وجوب حق حضانت بزن که صاحب حق است محل نظر است.

\*\*\*

پس از فراق از مطالب فوق راجع بامر حضانت اینک ببینیم حضانت مرور زمان دارد یا نه؟ در این موضوع دو عقیده میتوان اظهار کرد:

الف - جاری بودن مرور زمان

ب - عدم وجود مرور زمان

برای پیروی از هر یک از دو نظریه فوق دلائلی است که ذیلاً شرح داده میشود:

۱ - زمان ثبوت حق بازمان استفاده آن توامو یکی است: باین معنی که حق حضانت هر روزی از ایام سنوات دو گانه یا هفت گانه برای همان روز تولید و با انقضاء همان روز منتفی میگردد بنابراین نمیتوان حق حضانت گذشته را در آینده مطالبه نمود و در صورتیکه فاعده مرور زمان جز در موردی که بتوان حق ثابت در تاریخ مقدم را در تاریخ مؤخر مطالبه کرد قابل اعمال نیست مانند دیون و سایر تکالیفی که عادتاً در یک تاریخ بر عهده مدیون و متعهد اثبات میگردد ایام بعد نیز قابل مطالبه و مؤاخذنه است.

۲ - اصولاً چون امر حضانت برای زن در مدتی که حق الویت دارد تکلیف است بنابراین اگر از این حق که بر عهده خود اوست در مدت استفاده نکرد حقی برای تکلیف بغیر و مؤاخذنه او ندارد در حالیکه در سایر حقوق و دعاوی که قابل شمول مرور زمان است ثابت است که خواهان صرفاً ذیحق و خواننده صرفاً مکلف است بطوری که بدون اقدام خواننده بانجام تکلیف خواهان قابل استفاده و اعمال نیست برخلاف حق حضانت که حق و تکلیف در خود صاحب حق حضانت جمع و در حقیقت خواهان و خواننده یکی میباشد و در موردی هم که صاحب حق حضانت نخواهد بتکلیف و حق خود عمل نمایند ولی کسی دیگر مانع است بدین معنی است اگر دعوی در اثناء مدت حضانت اقامه شود نسبت بمدت گذشته حق ثابت و قابل مطالبه نیست تا فرض حصول مرور زمان متداوله نسبت آن بشود و نسبت بآتی هم که حقی باقی نیست بنا بر این استفاده از مرور زمان معقول نخواهد بود.

اما دلائل اینکه در حضانت مثل سایر دعاوی حقوقی مرور زمان جاری است:

۱ - چون مرور زمان مسقط حق مطالبه و اسقاط

باید از نظر اعراض باشد بنابراین صرفاً مرور زمان و انقضاء مدت مطلقاً نمیتواند بخودی خود مسقط حق واقع شود بلکه باید اساس آن که اعراض باشد در قضایا مراعات گردد و بهمین منظور در دین حال که در مطالبه بعنوان (عندالمطالبه) اقدام دائن شرط شده و یا حقوقی که برای مدت کنترات یا قرارداد در فلان امر مقسطا باید کارسازی شود مرور مدت اسقاط نباید دلیل اعراض از مطالبه نسبت باصل طلب واقع شود و بنا بر این مبداء اسقاط در انقضاء مدتی و یاد حقیقت زمان اعراض باید باشد پس در هر صورت برای حضانت هم دور کن اصلی که اعراض از مطالبه و گذشتن زمان باشد ملاحظه میگردد و بهمین مناسبت است که در امری که در جریان تحقیقی و بازجویی و اقدامات تعقیبی است میگویند مرور زمان حاصل نشده چه آنکه خواهان امری از ادعای خود اعراض نکرده است.

۲ - جزء سوم ماده ۷۵۰ قانون آئین دادرسی مدنی مدت مرور زمان را یکسال مقرر داشته و می نویسد: «دعاوی راجعه بحقوقی که با قساط ماهیانه یا کمتر از یک ماه تأدیه میشود مثل اجرت تعلیم و تدریس و هزینه نگاهداری و تربیت اطفال و اجرت اهل حرفه و هنر پیشه و نوکر و خدمه که بنحو ماهیانه یا کمتر مقرر شده نسبت بهریک از قساط ۱۰۰۰» و چون طبق ماده ۱۶۹ قانون مدنی که حضانت را عبارت از تربیت و نگاهداری اطفال دانسته است.

بنابراین امر حضانت هم از اموری است که تسایع مقررات ماده نامبرده بوده و مرور زمان شامل حال آن خواهد بود.

در خاتمه بنظریه فوق هم ممکن است اعتراض شود و بگویند که در اینجا صحبت از هزینه است نه حق حضانت و این احتمال میرود که شامل حال دایه و کسانی که در امر نگاهداری طفل هم مداخله دارند باشد.

علی اصغر - شریف